

لشکری گمنام به نام عاشورا



نفسیه خلیلی

روزنامه نگار

«عاشورا» قصه باکری هاست. قصه برادرانی هم قسم که عهد کرده بودند تا رسیدن پیروزی و آزادسازی کشور از دفاع دست برندارند و نگذارند جیبی از خاک به دست اجنبی‌ها بیفتد.

سریال عاشورا، با روایت بخش‌های فرعی داستان شهیدان مهدی و حمید باکری از قابی که «موقعیت مهدی» در پرده سینما به تصویر کشیده بود، فاصله می‌گیرد و به زبان ترکی گوشه‌ای از لشکر ۳۱ عاشورا را به تصویر می‌کشد. ابوالفضل صفری، تهیه‌کننده سریال «عاشورا» در پاسخ به این سؤال که چقدر از روایت‌های رسمی و غیررسمی برای ترسیم شخصیت شهید باکری استفاده کردید، گفت: نکات شخصیتی و اخلاقی شهید باکری در سریال عاشورا برجسته شده است. همه شهدای ما خاص بودند و منش خاصی داشتند. نمی‌توان مقام شهید را رتبه‌بندی کرد.

ویژگی‌های انسانی مهدی باکری برای مان اولویت داشت

صفری ادامه داد: ولی شهید باکری با ویژگی توازن و خلوص شناخته شده بود و ما هم محور داستان را روی همان ویژگی شخصیتی شهید گذاشتیم. یعنی شما با فرمانده‌ای در عاشورا مواجه هستید که قهرمانی‌اش به اخلاق، منش، خلوص و مردمی بودنش است. ما در عاشورا به سمت این ویژگی‌ها رفتیم و ویژگی‌های انسانی شهید را به فرماندهی بودن او اولویت دادیم. آقای حجازی‌فر هم باتوجه به شناختی که از فرهنگ آذربایجان و لشکر عاشورا داشته و دارد در کمال شاعرانگی به تصویر کشیدند.

برجسته‌ترین بخش زندگی مهدی باکری یک سال بین جنگ خیبر و بدر است

تهیه‌کننده سریال عاشورا درباره محوری‌ترین سکانس از زندگی شهید مهدی باکری توضیح داد: برجسته‌ترین بخش زندگی ایشان یک سال بین عملیات خیبر و بدر است که از شهادت آقا حمید تا شهادت خودشان را دربرمی‌گیرد. حتی اوج عرفان و سرگشتگی شهید مهدی باکری در سریال هم به تصویر کشیده می‌شود. به‌نظرم مهم‌ترین برش فیلم، اثر شهادت آقا حمید بر آقا مهدی است و یک سال بین جنگ خیبر و بدر زمان سوزناک و تاثیرگذار دراماتیکی است که با تراژدی همراه است. از طرفی، لحظه آخر شهادت مهدی باکری، سکانس پایانی سریال است. صفری درباره اهمیت رضایت خانواده‌ها در ساخت فیلم‌های مربوط به شهدا بیان کرد: رضایت خانواده شهدا مسأله مهمی است. کمالین که بزرگان کشور گفتند اگر فیلمی از شهدا ساخته می‌شود، باید رضایت آنها را جلب کند. البته نه به این معنا که راه بسته است. به‌نظرم بیشترین مسائل پیش‌رو برای ساخته نشدن فیلم‌های شهدا تعامل نداشتن مناسب با خانواده‌هاست، چون فرآیند جلب رضایت، همفکری و گفت‌وگو با خانواده شهدا مرحله زمانبری است. من الان زندگی دو شهید بزرگوار را در دست پژوهش دارم که با

نگاهی به سریال پربیننده این روزهای شبکه یک سیمای سریالی مهم در تاریخ تلویزیون

آرش فهیم

سردبیر
قاصد کوچه

مجموعه «عاشورا» که برآمده از تولید اثر فاخر سینمایی «موقعیت مهدی» است، از نظر فنی و تکنیکی یک دستاورد تازه برای فضای رسانه‌ای ایران محسوب می‌شود.

هادی حجازی‌فر که اولین حضور جدی‌اش به عنوان بازیگر در سینما به نام سردار جاویدالاطر محمد متوسلیان گره خورده است، نخستین فیلم - سریالی هم که ساخت به نام دو سردار شهید محبوب ثبت شد؛ شهیدان مهدی و حمید باکری، ستارگانی هستند که رازهای زندگی آنها شگفت‌انگیز است و ناجی امروز ما خواهد بود. در این مجموعه، هم بخش‌هایی که به زندگی شخصی و خانوادگی باکری‌ها می‌پردازد و هم سکانس‌های جنگی، با ظرافت به تماشا درآمده‌اند. کار بزرگ هادی حجازی‌فر در عاشورا عبور از حجاب تکنیک و ثبت زندگی، نزدیک به واقعیت است. یعنی همه اجزا و عناصر این مجموعه به حدی از پختگی و همراهی متوازن با یکدیگر رسیده‌اند که محسوس و سدره ارتباط مخاطب با متن روایت نیستند. موسیقی، میزانشن، نقش‌آفرینی بازیگران، حرکت دوربین و ... در این اثر به گونه‌ای هستند که اصلا دیده نمی‌شوند و همه در خدمت بازماندگی تصویری حداکثر واقعی از آدم‌های درون فیلم و زندگی و زمانه آنهاست. به گونه‌ای که مخاطب گاهی فراموش می‌کند در حال تماشای یک محصول و مصنوع است و اگر به خودش نیاید، تصور می‌کند در دنیای برساخته در سریال قرار دارد، حتی در لحظاتی عطر حضور شهیدان باکری به مشامش می‌رسد.



اتفاق مهم این است که در این اثر هیچ شعاری داده نمی‌شود، هیچ کجای آن بوی بیانیه و خطابه شنیده نمی‌شود و در هیچ جای روایت، حال‌وهوای تبلیغ احساس نمی‌شود. آنچه قهرمانان این سریال (شهیدان باکری) را به میدان نبرد می‌کشاند، نه تمنیات نفسانی و خودنمایی و هدف تصرف خاک و مقام، بلکه رسیدن به تکامل شخصیتی است. آنها در این سریال، هیچ نشانی از سایر فرماندهان نظامی در دیگر کشورها ندارند، مثل اوراق فقط در جبهه‌های دوران جنگ تحمیلی و همچنین جبهه مقاومت دیده‌ایم؛ امثال شهید حججی، حاج قاسم و ... که نه ترسو هستند و نه اهل هیاهو. مثل خسرو که وسط یک عملیات پراز خون و آتش، آن قدر آرامش و طمانینه دارد که حتی در خیال، صدای مرغ دریایی می‌شنود. بازسازی فضای معنوی و قدسی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، بدون تأکید بر شعائر و نمادهای مقدس و از طریق درام و فضاسازی در عاشورا، موجب می‌شود تا هر مخاطبی، وجه تقدس این دفاع را احساس و درک کند.

عاشورا سریال مهمی در تاریخ تلویزیون ایران است؛ هم به خاطر دستاوردهای فنی این اثر و هم به خاطر تثبیت یاد و خاطره دوقهرمان ملی و محبوب (شهیدان مهدی و حمید باکری) و قهرمانان گمنام درون فیلم.

تعامل طولانی مدت با خانواده‌ها به فرآیند ساخت قصه شهیدان رسیدیم.

پیچیده‌ترین برهه جنگ دفاع مقدس حداقل سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ است

تهیه‌کننده سریال عاشورا در پاسخ به این سؤال که بخشی از علت ساخته نشدن فیلم‌های مربوط به تاریخ معاصر، ترجیح خانواده‌ها برای پرداخت تمام و کمال به افراد و اتفاقات آن دوران است، تصریح کرد: پیچیده‌ترین برهه دفاع مقدس حداقل سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ است. یعنی حداقل عملیات خیبر و بدر است. اتفاقاً حساس‌ترین شهدای ما همین دوبرگوار مهدی و حمید باکری هستند. وی با بیان این‌که اوایل برای ساخته شدن کارهای مربوط به شهدا ترس وجود داشت. افزود: الان این ترس کمتر شده و کارهای مربوط به شهیدان متوسلیان، باکری و ... ساخته شده است. همین‌که خانواده شهدا ببینند مردم از این سریال‌ها استقبال می‌کنند، زمینه ساخت سریال‌های پیرامون زندگی شهدا فراهم می‌شود.

فاصله تصویری شهید مهدی و شهید حمید باکری زیاد نیست

صفری در پاسخ به این سؤال که درباره شهید مهدی باکری به نسبت حمید باکری اطلاعات بیشتری نوشته شده، در عاشورا نقش شهید حمید باکری چگونه است، توضیح داد: به‌نظرم در سریال فاصله تصویری دو شهید زیاد نیست. همان قدر که از برش‌های جذاب زندگی حمید باکری و خانواده‌شان در عاشورا می‌بینیم به همان میزان هم درباره زندگی مهدی باکری و خانواده آنها می‌بینیم.

لشکر عاشورا به شکل عاشورایی به شهادت می‌رسند

تهیه‌کننده سریال عاشورا با بیان این‌که آن قدر در زندگی این دو شهید خرده قصه وجود داشت که امکان ساخت ۵۰ قسمت را هم فراهم می‌کرد، بیان کرد: ولی آنچه برای ما مهم بود، ساخت فیلم و سریال درباره لشکر عاشورا بود. چون این لشکر گمنامی است و قصه آنها همان گونه که عاشورا گونه‌ای شکل می‌گیرد به شکل عاشورایی هم به اتمام می‌رسد. وی درباره گمنام بودن این لشکر توضیح داد: برداشتم این است که لشکرها و نیروهای جنگ، قوای رسانه‌ای قوی‌تری داشتند و تاریخ‌نگاری و کار رسانه‌ای بیشتری انجام دادند؛ به همین دلیل اطلاعات بیشتری از آنها در دست است. در ادامه حسین سلطان محمدی، منتقد سینما و تلویزیون درباره به تصویر کشیده شدن خشونت جنگ تصریح کرد: الان در تیتراژ سریال عاشورا، خشونت شدید جنگ را می‌بینید که در موقعیت مهدی، نبود. آن کسی که نمی‌داند، باید بفهمد بچه‌ها چگونه آن زمان جنگیدند. در بعضی از عملیات‌ها نمی‌توانستی سر از سنگری که کنده بودی، بلند کنی. دشمن مسلسل می‌زد و سرها از تن جدا می‌شد. در بعضی عملیات‌ها تانک از آدم رد می‌شد.



در «عاشورا» فاصله

تصویری دوشهید

زیاد نیست. همان قدر

که از برش‌های جذاب

زندگی حمید باکری

و خانواده‌شان در

«عاشورا» می‌بینیم،

به همان میزان هم

درباره زندگی مهدی

باکری و خانواده آن‌ها

می‌بینیم